

## سنجش و ارزیابی معیارهای مؤثر بر عملکرد کشاورزان عادی و موفق روستایی

### مطالعه موردی: روستاهای شهرستان خدابنده

عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری\* - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس  
مهدی پورطاهری - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس  
حمدا... سجاسی قیداری - دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس

پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۸/۲۸ تأیید نهایی: ۱۳۸۸/۴/۲۸

#### چکیده

استفاده از تجربیات افراد موفق و نمونه در محیط زندگی و فعالیت خود از ضروریات و ابزارهای تسهیل و تسریع‌کننده جریان توسعه روستایی پایدار است. افراد موفق به عنوان کارآفرینان، نوآوران و افراد خلاق جامعه روستایی دارای الگوهای معیشت و فعالیت ویژه‌ای هستند که بر اثر نوع درک آنها از محیط پیرامون، استفاده اصولی از توانایی‌ها، استعدادها و خلاقیت‌های فردی، ریسک‌پذیری، آینده‌نگری، گروه‌گرایی و مانند اینها به دست می‌آید و این افراد به خاطر تجربیات موفق خود می‌توانند الگوی مناسب زندگی و فعالیت برای سایر کشاورزان روستایی در منطقه باشند. به این دلیل که اکنون کشاورزی به مثابه الگوی غالب اقتصادی و فعالیت در روستاهای منطقه از نوع کشاورزی آسیب‌پذیر و معیشتی است، با کمترین تغییرات در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و اکولوژیکی پیرامون، تأثیرات شکننده و جبران‌ناپذیری را بر کشاورزان وارد می‌سازد. بر این اساس، در تحقیق پیش رو هدف سنجش نگرش کشاورزان نسبت به شاخص‌ها و متغیرهایی است که می‌توانند روش‌ساز و تسریع‌کننده بخش‌های کشاورزی مناطق روستایی باشند. از این طریق زمینه‌های تفاوت و شکاف اندیشه‌ای، عملکردی و فعالیت در بین کشاورزان عادی و موفق شناسایی می‌گردد و راهکارهای مناسب برای کاهش آن تبیین و تشریح می‌شود. به منظور رسیدن به این هدف از روش تحقیق ترکیبی کیفی و کمی استفاده شده است و نتایج به دست آمده با استفاده از آزمون من ویتنی و T نشان از وجود تفاوت در جنبه‌های گوناگون نگرش کشاورزان دو گروه نسبت به متغیرهای مؤثر در عملکردشان دارد.

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی کشاورزی، توسعه روستایی، توسعه پایدار، کشاورزان موفق، شهرستان خدابنده.

#### مقدمه

در موج جدید جهانی مدیریت و برنامه‌ریزی توجه ویژه‌ای به تقویت خلاقیت‌ها، نوآوری‌ها و توانمندی‌های درونی افراد و نیز گروه‌ها و سازمان‌ها در جامعه می‌شود، به گونه‌ای که اینان به عنوان افراد، گروه‌ها و سازمان‌های موفق و کارآفرین

تلقی می‌گردند. آنها با نگاه جدید - و به گفته شومپیتر، تخریب خلاقانه (Maia, 2002, 26) - به محیط و منابع، بستر مناسبی را برای توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و محیطی فراهم می‌سازند (4, Veheul 2001). بنابراین مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه با چالش‌هایی چون بیکاری، فقر، رکود، انزوا، درآمد کم، بهره‌وری پایین، مهاجرت، فردگرایی، تضاد اجتماعی، کمبود منابع، آلودگی‌های زیست‌محیطی و نظایر اینها دست و پنجه نرم می‌کنند، که به گفته دیوید مک‌کله‌لند به دلیل عدم درک خلاقیت‌ها، نوآوری‌ها و موفقیت‌هاست (هزارگریبی، ۱۳۸۴، ۱۴۸). در این زمینه درک و توجه به افراد موفق و کارآفرینان روستایی و الگوهای فعالیت، معیشتی، نوع رفتار و اندیشه آنان به عنوان موتور توسعه اقتصادی (شاه‌حسینی، ۱۳۸۳، ۷۴) می‌تواند زمینه‌ساز توسعه روستایی پایدار شود (پاسبان، ۱۳۸۳، ۲۸۶) و عوامل مختلف تولید را گرد هم آورد. آن‌گاه با تلاش و کوشش‌های خلاقانه می‌توان به الگوها و مدل‌های تولید و بهره‌وری دست یافت، که فراتولید<sup>۱</sup> (افتخاری، ۱۳۸۲، پیش‌گفتار) (Danda & Reyes, 2007, 12) یا فرابره‌وری (افتخاری، ۱۳۷۵، ۵) (افتخاری، ۱۳۷۷، ۱۱) از همین دست‌اند. در اینها، کشاورزان موفق و کارآفرین، ذهنیت کارآفرینی و ظرفیت‌های<sup>۲</sup> موجود را درمی‌آمیزند و فعالیت اقتصادی جدیدی را به وجود می‌آورند که جریان مداومی از درآمد و ثروت را برای آنها تولید می‌کند (Habbershon, 2006, 80). یعنی به نوعی همان تعریف شومپیتر از کارآفرینان در آن نهفته است که کارآفرینان روستایی با تخریب خلاقانه‌شان کالای جدید، شیوه تولید جدید و در نهایت شیوه‌های جدید سازماندهی الگوهای تولید و منابع را بیان می‌کنند که ویژگی اساسی آنها نوآوری<sup>۳</sup> است. صاحب‌نظران توسعه روستایی معتقدند که تحقق این اهداف از طریق تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی از درون جامعه روستایی و با حمایت و تسهیل‌گری مدیران و برنامه‌ریزان بیرونی حاصل می‌شود (Escap, 1996, 2)، که متأسفانه در طول چندین دهه برنامه‌ریزی توسعه - و به‌ویژه توسعه روستایی - به خاطر تبعیت از الگوی توسعه برون‌زا در قالب نظریه نوسازی، مورد توجه قرار نگرفته است که برآیند آن شکل‌گیری دولت بزرگ، در حاشیه قرار گرفتن مردم، تربیت مردم روستایی مطیع و وابسته به کمک دولت، جریان نوآوری‌ها از شهر به روستا، مهاجرت نیروهای خلاق با استعداد و کوشای جوان به شهر به دلیل عدم توجه به آنها، و عدم ارائه امکانات مناسب در محیط روستا، بیکاری، فقر، تخلیه روستاها، تغییرات اجتماعی و نظایر اینها بوده است (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶، ۱۲). تبعیت از چنین تفکری از بروز هر گونه خلاقیت و نوآوری در جوامع روستایی جلوگیری کرده است، و این از موانع اصلی رسیدن به توسعه پایدار قلمداد می‌شود. بنابراین می‌توان بدین نتیجه دست یافت که کارآفرینی روستایی راهکاری جدید در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی در جهت تغییر الگوی زندگی و فعالیت کنونی (که معیشتی و آسیب‌پذیر است) به الگویی مطلوب و شایسته انسانی، ایجاد برابری اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی، و همچنین ابزار مهم رسیدن به توسعه پایدار است. در این میان از یک سو

1. Tran generational
2. Entrepreneurial Mindset and Capabilities
3. Innovation

به دلیل اینکه کشاورزی از بخش‌های اساسی اقتصاد کشور است که رشد و توسعه آن، مبنای راهیابی سرمایه‌گذاری، اشتغال و خدمات به سمت مناطق روستایی و کاهش بیکاری و اشتغال‌زایی این بخش می‌شود (شکویی، ۱۳۸۴، ۲۷۶) و زمینه‌ساز رشد و توسعه سایر بخش‌ها - از جمله صنعت، خدمات، حمل‌ونقل و انرژی - می‌گردد؛ و از سوی دیگر به دلیل اینکه در روستاهای منطقه مورد مطالعه ساختار و الگوی غالب فعالیت و معیشت بر پایه بخش کشاورزی است، همه ساله افراد موفق و کارآفرینی سر برمی‌آورند.

شهرستان خدابنده به عنوان منطقه مورد مطالعه به دلیل قرارگیری در شرایط آب و هوایی مناسب با دشت‌های وسیع نسبتاً هموار و حاصل‌خیز و با وجود وسعت اراضی، تنوع آب و هوایی، نیروهای بالقوه و ارزان، غنای آب‌های سطحی و زیرزمینی و بالا بودن متوسط بارندگی دارای شرایط مناسبی برای توسعه فعالیت‌های کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن است. کشاورزی به عنوان فعالیت غالب اقتصادی، نقش بسیار مهم و ارزنده‌ای در اشتغال و درآمد مردم شهرستان دارد، و موفق بودن کشت محصولات نسبتاً صنعتی همچون چغندر قند، ذرت علوفه‌ای، آفتاب‌گردان روغنی و کلزا در مدتی کوتاه از یک‌سو، و وجود کشاورزان کارآفرین در منطقه از دیگر سو، شاهد بسیار خوبی بر این مدعاست. در نتیجه، این شهرستان به دلیل دارا بودن پتانسیل‌های بالای اکولوژیکی (طبیعی و انسانی) در زمینه کشاورزی می‌تواند از مناطق و قطب‌های مهم کشاورزی در سطح استان زنجان و ملی به شمار آید؛ ولی تا کنون به دلیل نبود نگرش‌های کارآفرینی در برنامه‌های توسعه و همچنین حاکمیت نظریه کیک در جامعه روستایی، استعدادها و خلاقیت‌های انسانی و منابع طبیعی کشاورزی در روستاهای شهرستان، رشد چندانی ندارد و عمدتاً به صورت معیشتی و آسیب‌پذیر است. بر این اساس، پرسش تحقیق را به این شکل می‌توان بیان کرد که: چه تفاوت‌هایی بین نگرش کشاورزان موفق و عادی نسبت به معیارهای مؤثر بر عملکرد، الگوی معیشت، زندگی و فعالیت‌شان وجود دارد؛ و این تفاوت‌ها در چه شاخص‌ها و متغیرهایی است؟

### مبانی نظری تحقیق

در همه جای دنیا و به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، بیشترین میزان کسب‌وکارها در اختیار کشاورزان قرار دارد و آنها اصلی‌ترین ایفاکنندگان نقش در اقتصاد کشورهای خود هستند (Poza, 2007, 14). با این حال اغلب آنها خصوصیتی مانند درون‌گرایی، انعطاف‌ناپذیری و ثبات در برابر تغییرات دارند (Hall, Melin, & Nordqvist, 2001, 8) و به همین دلیل مایل به ریسک‌پذیری در قالب فعالیت‌های کارآفرینی نیستند (Johannisson, 2002, 28). آنها به عنوان کشاورزان عادی اغلب دارای شیوه زندگی سنتی و معیشتی‌اند، که خود مانع از نوآوری و خلاقیت و کارآفرینی است (Habbershon, 2006, 41). در واقع آنها به عنوان سرپرست‌های خانوارهای روستایی در شیوه‌ها و الگوهای سنتی کسب‌وکار فعالیت می‌کنند (Hall et al., 2001, 18) که آرنوف و وارد<sup>۱</sup> (1997) آن را الگویی ایستا و آسیب‌پذیر می‌نامند

که در برابر تغییرات ثابت عمل می‌کند (Hall et al., 2001, 36) به نقل از (Aronoff and Ward, 1997) و بر فرایند تصمیم‌گیری متمرکز است (Habbershon, 2006, 22). در مقابل کشاورزان موفق و کارآفرین، با آینده‌نگری خاص و با در نظر گرفتن منابع و محدودیت‌های محیطی، درس‌آموزی از گذشته، متناسب با دانش بومی و دانش روز، با شخصیتی تحول‌پذیر به همراه قدرت ریسک و نوآوری و خلاقیتی بالا، بهترین و آخرین موقعیت‌های اقتصادی و بازار را شناسایی و ارزیابی می‌کنند و براساس نبوغ خود و با راهنمایی‌های بیرونی و رعایت حقوق مکانی و فضایی و انسانی به بهره‌گیری عقلانی و اقتصادی از فرصت‌های بالقوه و بالفعل کشاورزی می‌پردازند (Kayne, 2002, 5) (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷، ۴).

بنابراین، کشاورزان می‌توانند مانند سایر افراد در سطح جامعه روستایی کارآفرین و از مهم‌ترین منابع رشد و توسعه اقتصادی باشند (Barringer, Bruce And Ireland, Duane, 2006, 3) و نقش اساسی را در تولید درآمد، ایجاد اشتغال، ریسک‌پذیری اقتصادی، سرمایه‌گذاری و جز اینها (Habbershon, 2006, 15) در جوامع روستایی ایفا کنند. آنها نشان‌دهنده سرمایه‌های عظیم انسانی (Habbershon & Pistrui, 2002, 2) و بزرگ‌ترین منبع درآمدزایی (Habbershon et al., 2001, 17) هستند. با این دیدگاه سه نوع کشاورز «کارآفرین، معیشتی و آسیب‌پذیر» وجود دارند که به لحاظ الگوهای فعالیت و زندگی متفاوت‌اند (Babayani, 2004, 42-44) (جدول ۱ و ۲).

بنابراین، موانع و محدودیت‌های متفاوتی مانند ناآشنایی از عدم پذیرش و تشویق و نیز تأمین مالی کشاورزان، ارائه پیشنهادها و طرح‌های بدون نقشه قبلی و طراحی نشده، عدم پاسخ سریع به ایده‌ها و پیشنهادها، جدید و فقدان نظام پیشنهادها، عدم اطمینان از سرقت ایده‌ها، فقدان دورنمای مشترک نسبت به نوآوری، تنش و نارضایتی، انزوای مدیریت ارشد (Heritot, 2004, 4)، عدم دسترسی به اطلاعات موثق و شفاف، ساختار مکانیکی، فقدان فرهنگ حمایت از کارآفرینی، فاصله با بازار و خدمات، شکاف در دسترسی به سرمایه، کاهش فرصت‌های شبکه‌ای و ارتباطی، و نبود خوشه‌های صنعتی تسریع‌کننده نوآوری (Markley, 2002, 2)، گسستگی‌های درونی میان جامعه کشاورزی (میان اعضا) و موانع بیرونی (مانند گسستگی‌ها با جوامع دیگر از جمله مسئولان با کشاورزان)، ناآگاهی از چگونگی استفاده از دانش، منابع و شبکه‌های موجود برای ورود به محیط جدید (Stuart & Edward, 2004, 10) سبب اندک بودن تعداد افراد موفق و کارآفرین در بین کشاورزان شده است. از جمله سیاست‌ها و راهکارهای مهمی که می‌توانند در فرایند کارآفرینی کشاورزی، شکل مؤثری داشته باشند و منجر به توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی شوند، عبارت‌اند از (احمد پورداریانی، ۱۳۸۰، ۷۸ با اقتباس از Verheul, 2001, 12) (Krugman, 1991, 8):

- ۱- توسعه زیرساخت‌های اجتماعی؛ ۲- انجام توأم تحقیق و توسعه؛ ۳- افزایش کیفیت نیروی انسانی؛
- ۴- افزایش کیفیت مدیریت؛ ۵- توسعه آموزش (با تحریک انگیزه‌ها، پرورش ویژگی‌ها و آموزش مهارت‌ها)؛ و ۶- توسعه فناوری.

جدول ۱. تفاوت‌ها در الگوهای فعالیت و زندگی کشاورزان در ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار

کشاورزان عادی (معیشتی و آسیب‌پذیر)	کشاورزان کارآفرین و موفق	
دارا بودن ریسک‌پذیری پایین، فروش محصولات و تولیدات به صورت محلی و پیش‌فروش، تأکید بر الگوهای کشاورزی قدیمی، تک‌محصولی، استفاده از نیروی کار انسانی و حیوانی در کشاورزی، انزوای جغرافیایی و نظایر اینها.	دارا بودن ریسک‌پذیری اقتصادی بالا، آشنایی با بازارهای جدید داخلی و خارجی و شناسایی نیازهای مصرف‌کنندگان، استفاده از شیوه‌های روز کشاورزی، مکانیزاسیون و نهاده‌های جدید، تنوع‌بخشی کشاورزی و کشت تلفیقی، تغییرات در الگوی کشت بر اساس اصول زراعی، مبارزه با آفات و علف‌های هرز، حمل و نقل و ارتباطات فیزیکی بالا و نظایر اینها.	اقتصادی
خطرپذیری پایین، پذیرنده و مطیع، فردگرایی، قانع بودن، عدم علاقه به پیشرفت، آرامش‌طلب و مانند اینها.	ابتکار عمل، خلاقیت‌های شخصی و اشتیاق بالا برای انجام کارهای بزرگ، به کارگیری تجربیات شخصی و دیگران، مشارکت و ارتباطات قوی در قالب گروه‌گرایی، آینده‌نگری و پشتکار، علاقه به آبادانی، خطرپذیری بالا، استقلال فردی در تصمیم‌گیری‌ها و جز اینها.	اجتماعی
دارا بودن زمین‌های کشاورزی ناهموار، نامناسب و با حاصلخیزی کم، قطعه‌قطعه بودن اراضی، عدم درک ارزش منابع و نحوه به‌کارگیری آن و نظایر اینها.	دارا بودن زمین‌های کشاورزی مسطح و با کیفیت و یکپارچه و گسترده، رعایت اصول آماده‌سازی زمین، استفاده مناسب از ظرفیت‌های محیطی و جز اینها.	زیست‌محیطی

منبع: یافته‌های اسنادی و میدانی نگارندگان

جدول ۲. تفاوت بین کشاورزان موفق و عادی در الگوهای فعالیتی و شیوه زندگی

شیوه زندگی		فعالیت	
کشاورزان عادی	کشاورزان موفق و کارآفرین	کشاورزان عادی	کشاورزان موفق و کارآفرین
- فردگرایی در زندگی	- شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی	- استفاده از نیروی کار خانوادگی	- استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی
- فروش روزآمد	- استفاده از مشاوران کشاورز	- تولید با کیفیت و حجم پایین	- به‌کارگیری نیروی انسانی ماهر و باتجربه در کشاورزی
- انکای صرف به تجربه و دانش بومی در کشاورزی	- باتجربه و فنی	- عدم آگاهی از نیازهای بازار و کانال‌های فروش	- تولید با حجم و کیفیت بالا
- اضطراب و ترس از ورشکستگی	- داشتن برنامه‌زمانی در زندگی	- فروش با واسطه و خرده‌فروشی	- آشنایی با بازارهای هدف داخلی و خارجی
- فقر شدید اقتصادی	- انجام فعالیت‌های گروهی	- عدم رعایت اصول تناوب زراعی و آماده‌سازی زمین‌های زراعی	- شناسایی کانال‌های فروش بی‌واسطه و توانایی چانه‌زنی
- انزوای زندگی	- انبار کردن محصولات	- کشت سنتی	- آگاهی از نیازهای بازار و مصرف‌کننده
- سواد و آگاهی پایین	- انگیزه بالا برای نفع شخصی	- استفاده از دانش تجربی و فنی	- توجه به فرایندها در مراحل مختلف کشاورزی
- دارا بودن شخصیت قانع و جز آن	- ریسک‌پذیری (خطرپذیری) اقتصادی	- ناهمواری و پراکندگی زمین‌های کشاورزی	- برآورد هزینه-فایده
	- برخورداری از خلاقیت‌های بالای شخصی	- تک‌محصولی	- رعایت اصول آماده‌سازی زمین
	- انگیزه بالا برای یافتن منابع جدید	- به‌کارگیری نهاده‌های بومی و جز آن	- بیمه محصولات
	- استقلال در تصمیم‌گیری‌ها		- داشتن دانش مبارزه با آفات کشاورزی و استفاده از نهاده‌های جدید و اصلاح شده
	- پشتکار و ایستادگی بالا		- حاصل‌خیز و مسطح و یکپارچه بودن زمین‌های کشاورزی
	- ارتباطات و شبکه اجتماعی بالا		- کشت تلفیقی و متنوع و نظایر آن
	- اعتماد به نفس و خوداتکایی بالا		
	- علاقه به آبادانی و جز آن		

منبع: یافته‌های اسنادی و میدانی نگارندگان

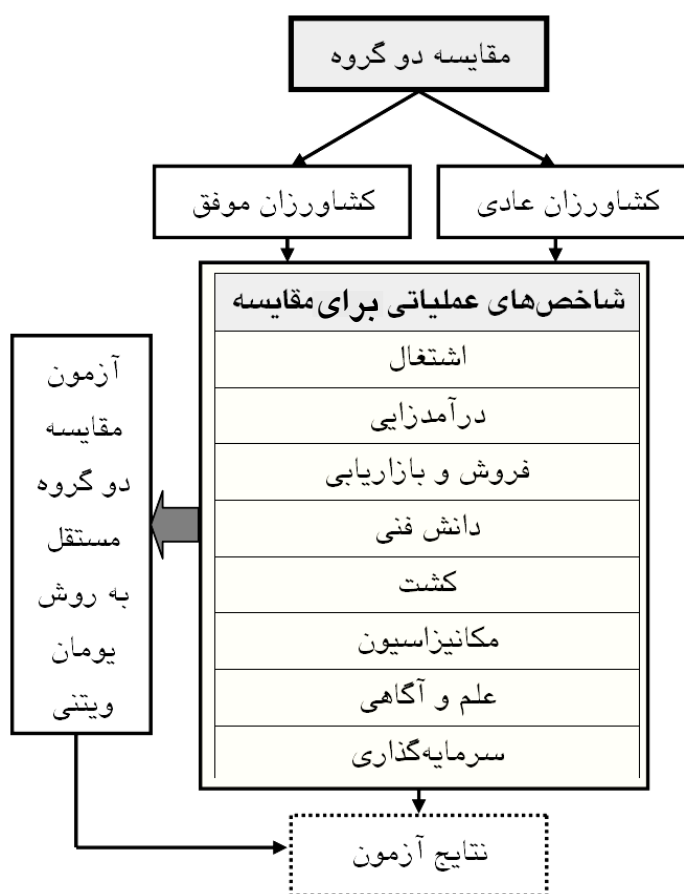
## روش تحقیق

برای شناسایی ضعف‌ها و شکاف‌های موجود در ساختار کشاورزی منطقه به عنوان عامل تعیین‌کننده و تأثیرگذار در فرایند توسعه روستایی، به سنجش ابعاد و اندازه و شدت تفاوت‌های موجود در نگرش کشاورزان موفق (کارآفرین) و عادی در خصوص درجه اهمیت معیارهای مؤثر بر توسعه کشاورزی از دیدگاه آنان پرداخته شده است. در نتیجه، برای تبیین و توجیه دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله ابعاد آن، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی بود که از طریق جست‌وجو در نوشتارها و مباحث نظری مقاله و تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی موجود درباره کارآفرینی روستایی و کشاورزی فراهم شده است. بنابراین، روش مورد استفاده در این مقاله کاربردی، اکتشافی، توصیفی و تحلیلی است. جامعه آماری تحقیق شامل کشاورزان موفق شهرستان خدابنده در بین سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۱ و کشاورزان عادی با سطح کشاورزی متوسط و رو به پایین (معیشتی و آسیب‌پذیر) است. تعداد کشاورزان موفق در سطح منطقه مورد مطالعه ۱۵ نفر در خلال سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۱ بوده است که دو نفر با تولید گندم دیم و کلزا به عنوان کشاورز نمونه در سطح کشور، ۶ نفر به عنوان کشاورز نمونه در سطح استان و ۷ نفر دیگر نیز به عنوان کشاورز برتر و موفق در سطح شهرستان شناخته شده‌اند. از طرفی، برای تطبیق و مقایسه الگوی معیشت کشاورزان موفق و عادی تعداد ۱۵ نفر کشاورز غیرکارآفرین (عادی) به عنوان گروه شاهد از همان روستاهای کشاورزان موفق انتخاب شده‌اند. بنابراین، روش نمونه‌گیری برای کشاورزان موفق کل شماری و برای کشاورزان عادی نمونه‌گیری تصادفی ساده از روستاهایی بوده است که کشاورز موفق داشتند. جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در دو بخش انجام گرفته است. بخش اول مربوط به جمع‌آوری داده‌های ثانویه از طریق مطالعه مبانی نظری و سوابق انجام تحقیقات صورت گرفته (مطالعات کتابخانه‌ای) برای شناسایی عوامل تأثیرگذار بر توسعه کشاورزی و بخش دوم روش ترکیبی کمی و کیفی از شناسایی و دسته‌بندی عوامل تأثیرگذار در توسعه کشاورزی تا تهیه پرسشنامه و جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آماری در سه گام انجام پذیرفته است: گام اول مصاحبه با استفاده از پرسش‌های باز در قالب تکنیک دلفی بود، که در خاتمه این مرحله فهرستی از عوامل تأثیرگذار بومی در ارتقای سطح زندگی و عملکرد کشاورزان از دیدگاه نمونه‌ها به دست آمد. گام دوم، تلفیق و انطباق عوامل شناسایی شده در سه سطح تحقیقات جهانی، معیارهای وزارت جهاد کشاورزی در انتخاب کشاورز موفق و نمونه و در نهایت نتایج حاصل از مصاحبه باز با نمونه‌ها بود که منجر به شناسایی و دسته‌بندی متغیرها در زیرمجموعه هشت شاخص اصلی اشتغال، درآمدزایی، سرمایه‌گذاری، مکانیزاسیون در بعد اقتصادی، شاخص‌های دانش فنی، علم و آگاهی و فروش و بازاریابی در بعد اجتماعی و در نهایت شاخص اصول کشت در بعد محیطی شد. این خود منجر به تدوین پرسشنامه براساس نتایج به دست آمده از گام‌های قبلی و مبانی نظری، با استفاده از طیف لیکرت گردید، تا دیدگاه‌های نمونه‌ها در زمینه معیارها و متغیرهای مؤثر بر توسعه کشاورزی منطقه به دست آید. گام سوم، تجزیه و تحلیل اطلاعات براساس نرم‌افزار SPSS با استفاده از آماره‌های آزمون من ویتنی و T برای شناسایی تفاوت نگرشی در بین کشاورزان عادی و موفق در قیاس با معیارهای تدوین شده مؤثر بر عملکرد و الگوی معیشت و همچنین زندگی و فعالیت بوده است. افزون بر اینها، به‌منظور

سنجش پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ<sup>۱</sup>، با تأکید بر همسانی درونی داده‌ها استفاده شد که براساس ضریب کل آلفا ۰/۸۳۹۱ محاسبه شده، دارای پایایی بالایی است.

## بحث و یافته‌ها

با بررسی انجام شده به لحاظ نظری در مطالعات و تجربیات جهانی در زمینه کشاورزان کارآفرین / موفق و عادی و ویژگی‌های عملکردی و معیشتی و زندگی آنها، عوامل تأثیرگذار در فرایند توسعه کشاورزی هر دو گروه مشخص شد و سپس نتایج به دست آمده با یافته‌های حاصل از تکنیک کیفی دلفی در منطقه مورد مطالعه ترکیب و شاخص‌ها و متغیرهای بومی مؤثر در فرایند توسعه کشاورزی در منطقه شناسایی گردید. پس از تدوین و تکمیل پرسشنامه به‌وسیله نمونه‌ها، به دلیل رتبه‌ای بودن داده‌ها و همچنین اهمیت سمت‌وسو و میزان این تغییرات در زندگی کشاورزان موفق و عادی نسبت به هم از آزمون من ویتنی استفاده شده است. در مجموع ۸ شاخص به همراه زیرمجموعه‌های‌شان برای این مقایسه مورد استفاده قرار گرفته است، که شکل ۱ ابعاد و فرایند آن را نشان می‌دهد.



شکل ۱. فرایند آزمون فرضیه و عملیاتی کردن شاخص‌ها

نتایج به دست آمده از آزمون من ویتنی برای شناسایی تفاوت الگوهای فعالیت و زندگی بین کشاورزان موفق و عادی با هم از دیدگاه خود کشاورزان نمونه، نشان‌دهنده این موضوع است که تفاوت معناداری بین نگرش دو گروه از کشاورزان با عوامل مؤثر در توسعه کشاورزی منطقه وجود دارد. بنابراین در نگاه نخست تفاوت‌های موجود در نگرش این دو گروه از کشاورزان نسبت به هم نشان از تفاوت در نوع عملکرد، شیوه معیشت و زندگی یا در کل نوع نگاه آنها به کشاورزی در شهرستان دارد. با نگاه به نتایج به دست آمده، می‌توان نگرش متفاوت کشاورزان موفق را به کشاورزان عادی درباره مسائل توسعه کشاورزی مشاهده کرد. این تفاوت خود زمینه و پایه‌ای گویا برای وجود تفاوت در عمل و فعالیت آنها در زمینه کشاورزی و همچنین شیوه معیشت آنان از طریق کشاورزی است، زیرا در همه موارد نیز میانگین‌های رتبه‌ای بالایی در گروه کشاورزان موفق / کارآفرین شهرستان در قیاس با کشاورزان عادی مشاهده می‌شود. تنها در چندین مورد شکاف‌ها و تفاوت‌های موجود در نگرش کشاورزان موفق و عادی کمتر از سایر موارد است، شامل: توجه به استفاده از نیروی کار خانوادگی، توجه به اهمیت کمیت و مقدار تولید، توجه به اهمیت استفاده از سرمایه‌های کوچک خانواده، توجه به داشتن اطلاعات درباره مراحل مختلف کشاورزی، توجه به رعایت اصول تناوب زراعی، میزان توجه به آشنایی با بازارهای محلی، توجه به تقسیم کار، میزان توجه به مسطح بودن اراضی و توجه به رعایت اصول صحیح آماده‌سازی زمین. شایان ذکر است که اینها مواردی هستند که از ضرورت‌های آغاز فعالیت کشاورزی به‌شمار می‌آیند و بنابراین نمی‌توان آن را به عنوان نزدیکی دیدگاه‌های کشاورزان موفق و عادی تلقی کرد، چون در اکثریت متغیرها تفاوت‌های فاحش و آشکاری بین نگرش این دو گروه به مسائل کشاورزی وجود دارد.

به منظور تبیین دقیق‌تر مسئله، کلیه شاخص‌های مورد مطالعه در سه بعد اقتصادی و اجتماعی و محیطی تقسیم شده‌اند. در بعد اقتصادی، چهار شاخص اصلی - یعنی اشتغال، درآمدزایی، مکانیزاسیون و سرمایه‌گذاری - با مجموع بیست متغیر مورد آزمون قرار گرفت، تا تفاوت بین نگرش کشاورزان موفق و عادی به عوامل اقتصادی مؤثر در توسعه کشاورزی مشخص شود. نتایج به دست آمده نشان‌دهنده این موضوع است که در تمامی متغیرهای زیرمجموعه شاخص‌های بعد اقتصادی نتایج معنی‌دار هستند و این نشان از تفاوت‌های موجود در نگرش کشاورزان دو گروه در بعد اقتصادی به عوامل مؤثر در توسعه کشاورزی دارد. تنها در سه مورد توجه به استفاده از نیروی کار خانوادگی، توجه به اهمیت کمیت و مقدار تولید، و توجه به اهمیت استفاده از سرمایه‌های کوچک خانواده، این تفاوت‌ها از سایر موارد کمتر بوده است. همچنین برای درک شدت تفاوت در نگرش دو گروه به متغیرهای اقتصادی، می‌توان از میانگین رتبه‌ها درک کرد که شدیدترین تفاوت‌ها در متغیرهای توجه به استفاده از نیروی کار مزدبگیر، توجه به تعداد نیروی انسانی مورد استفاده، و توجه به اهمیت میزان اعتبارات بانکی مشاهده می‌شود. جدول ۴ ابعاد و سطح این شکاف‌ها و تفاوت‌های نگرش نمونه‌ها را در بعد اقتصادی نشان می‌دهد.



جدول ۴. تفاوت بین نگرش کشاورزان موفق و عادی به عوامل اقتصادی مؤثر در توسعه کشاورزی

Asymp 2Railed(sig)	U Man Vitny	میانگین رتبه‌ها		پرسش‌ها	زیر مجموعه‌ها	ابعاد
		کشاورزان عادی	کشاورزان موفق			
۰/۰۴۱	۵/۶۱	۵/۴۱	۸/۳۲	توجه به استفاده از نیروی کار خانوادگی	اشتغال	بعد اقتصادی
۰/۰۰۰	۸/۹۰	۶/۲۵	۱۴/۶۷	توجه به استفاده از نیروی کار مزدبگیر		
۰/۰۰۰	۱۱/۵۷	۵/۹۲	۱۳/۴۶	توجه به تعداد نیروی انسانی مورد استفاده		
۰/۰۰۰	۶/۹۰	۵/۳۴	۱۲/۴۷	توجه به نیروی انسانی ماهر و باتجربه		
۰/۰۰۰	۱۱/۳۷	۵/۷۸	۱۱/۱۷	توجه به نیروی انسانی باسواد کشاورزی		
۰/۰۰۱	۵/۴۲	۵/۳۱	۹/۸۹	توجه به اهمیت کمیت و مقدار تولید	درآمدزایی	
۰/۰۰۰	۷/۶۱	۶/۸۲	۱۲/۴۹	توجه به اهمیت کیفیت تولید		
۰/۰۰۰	۸/۷۳	۷/۸۲	۱۲/۷۵	توجه به پیش‌فروش کردن محصول		
۰/۰۰۰	۹/۳۲	۶/۵۰	۱۲/۰۳	توجه به استفاده از ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز	مکانیزاسیون	
۰/۰۰۰	۱۰/۴۹	۶/۷۱	۱۱/۳۸	توجه به اهمیت کشت ماشینی و برداشت ماشینی		
۰/۰۰۰	۶/۱۲	۶/۴۳	۱۱/۶۵	توجه به اهمیت انبار کردن محصولات (سردخانه، سیلو و جز آن)		
۰/۰۰۰	۱۹/۳۸	۶/۰۰	۱۱/۵۴	توجه به اهمیت بستن‌بندی کردن		
۰/۰۰۰	۵/۴۲	۵/۲۹	۱۲/۲۳	توجه به اهمیت استفاده از بذر اصلاح‌شده		
۰/۰۰۰	۹/۲۴	۵/۵۷	۱۰/۳۲	توجه به اهمیت میزان سرمایه‌گذاری فردی	سرمایه‌گذاری	
۰/۰۰۰	۸/۳۹	۵/۹۱	۱۳/۱۲۷	توجه به اهمیت میزان اعتبارات بانکی		
۰/۰۰۲	۷/۲۸	۵/۳۲	۹/۳۲	توجه به اهمیت استفاده از سرمایه‌های کوچک خانواده		
۰/۰۰۰	۷/۳۵	۶/۹۷	۱۰/۹۴	توجه به اهمیت استفاده از سرمایه‌های کوچک فامیل		
۰/۰۰۰	۶/۰۹	۶/۶۵	۱۱/۳۲	توجه به اهمیت استفاده از سرمایه‌های کوچک دوستان		
۰/۰۰۰	۷/۳۴	۶/۰۰	۱۰/۳۱	توجه به اهمیت استفاده از سرمایه‌های کوچک روستاییان		
۰/۰۰۰	۱۵/۲۰	۵/۳۴	۱۰/۳۸	توجه به اهمیت توزیع مناسب درآمدها و اعتبارات ملی		

منبع: یافته‌های تحقیق

در بعد اجتماعی ۲۴ متغیر در قالب سه شاخص «دانش فنی، فروش بازاریابی و علم و آگاهی» مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون در همه موارد معنی‌دار است و نشان از وجود تفاوت میان نگرش دو گروه به لحاظ اجتماعی دارد و تنها در چند متغیر - مانند توجه به داشتن اطلاعات درباره مراحل مختلف کشاورزی، توجه به رعایت اصول تناوب زراعی، میزان توجه به آشنایی با بازارهای محلی و توجه به تقسیم کار - سطح این تفاوت‌ها از سایر متغیرها کمتر است. همچنین برای درک شدت تفاوت در نگرش دو گروه از میزان میانگین رتبه‌ها، می‌توان مشاهده کرد که بیشترین سطح تفاوت‌ها در متغیرهایی مانند توجه به انجام فعالیت‌های گروهی و دسته‌جمعی، میزان توجه به آگاهی درباره نیاز مصرف‌کنندگان، توجه به اهمیت میزان اراضی و توجه به اهمیت اجاره‌کاری و سپس سایر متغیرهاست. جدول ۵ ابعاد و سطح این شکاف‌ها و تفاوت‌های نگرش نمونه‌های مورد مطالعه را در بعد اجتماعی نشان می‌دهد.

جدول ۵. تفاوت بین نگرش کشاورزان موفق و عادی به عوامل اجتماعی مؤثر در توسعه کشاورزی

Asymp 2 Railed (sig)	U Man Vitny	میانگین رتبه‌ها		پرسش‌ها	زیرمجموعه‌ها	ابعاد
		کشاورزان عادی	کشاورزان موفق			
۰/۰۰۳	۵/۰۲	۶/۷۵	۹/۲۶	توجه به داشتن اطلاعات درباره مراحل مختلف کشاورزی	دانش فنی	بعد اجتماعی
۰/۰۰۰	۸/۶۲	۶/۸۱	۱۱/۲۴	توجه به شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی		
۰/۰۰۰	۱۸/۴۸	۶/۳۴	۱۰/۵۷	میزان توجه به برآورد هزینه - فایده (سود)		
۰/۰۰۰	۶/۴۹	۴/۵۷	۱۱/۴۷	میزان توجه به آماده کردن زمین قبل از کشت		
۰/۰۰۰	۶/۰۴	۵/۲۸	۱۰/۶۴	توجه به انتخاب نژاد و گونه مناسب و برتر		
۰/۰۰۰	۱۶/۲۷	۵/۳۹	۱۲/۰۰	توجه به استفاده از کودهای توصیه شده و مناسب		
۰/۰۰۰	۱۳/۱۹	۶/۳۴	۱۱/۴۵	توجه به بیمه محصولات		
۰/۰۰۱	۷/۳۵	۶/۴۲	۹/۵۱	توجه به رعایت اصول تناوب زراعی		
۰/۰۰۰	۱۱/۴۲	۵/۰۲	۱۰/۵۷	میزان توجه به دانش مبارزه با آفات و علف‌های هرز		
۰/۰۰۰	۷/۵۹	۶/۶۴	۱۱/۰۳	توجه به استفاده از نهادهای جدید		
۰/۰۰۱	۵/۲۱	۵/۲۸	۹/۷۴	میزان توجه به آشنایی با بازارهای محلی	فروش و بازاریابی	
۰/۰۰۰	۱۵/۰۵	۶/۲۳	۱۱/۴۵	میزان توجه به آشنایی با بازارهای منطقه‌ای و ملی		
۰/۰۰۰	۸/۲۶	۷/۶۹	۱۲/۱۵	میزان توجه به تجزیه و تحلیل عرضه و تقاضا		
۰/۰۰۰	۷/۶۸	۶/۷۸	۱۱/۵۱	میزان توجه به شناسایی کانال‌های فروش		
۰/۰۰۰	۱۰/۰۸	۶/۴۹	۱۰/۸۶	توجه به اهمیت چانه‌زنی		
۰/۰۰۰	۶/۳۵	۵/۲۴	۱۱/۱۷	توجه به فروش مستقیم و بی‌واسطه محصول		
۰/۰۰۰	۷/۹۴	۷/۴۸	۱۲/۱۹	میزان توجه به آگاهی از نرخ محصولات در بازار		
۰/۰۰۰	۱۷/۹۰	۶/۷۴	۱۳/۲۷	میزان توجه به آگاهی درباره نیاز مصرف‌کنندگان	علم و آگاهی	
۰/۰۰۰	۸/۴۹	۷/۸۱	۱۳/۱۴	توجه به اهمیت عمده‌فروشی		
۰/۰۰۰	۱۴/۶۷	۵/۱۳	۱۱/۱۹	توجه به اهمیت داشتن برنامه زمانی		
۰/۰۰۱	۷/۶۵	۶/۴۰	۹/۳۲	توجه به تقسیم کار		
۰/۰۰۰	۷/۵۷	۶/۷۴	۱۳/۴۵	توجه به انجام فعالیت‌های گروهی و دسته‌جمعی		
۰/۰۰۰	۸/۲۵	۶/۶۴	۱۲/۹۵	توجه به استفاده از دانش تجربی و دانش فنی		
۰/۰۰۰	۱۲/۳۴	۶/۳۷	۱۱/۴۰	توجه به اهمیت به‌کارگیری توصیه‌های فنی کارشناسان		

منبع: یافته‌های تحقیق

در بعد محیطی نیز ۹ متغیر در زیرمجموعه شاخص اصول کشت مورد آزمون قرار گرفت و نتایج به دست آمده در کلیه متغیرها، معنی‌دار است و نشان از وجود تفاوت در نگرش کشاورزان دو گروه به متغیرهای محیطی دارد. تنها در دو متغیر میزان توجه به مسطح بودن اراضی و توجه به رعایت اصول صحیح آماده‌سازی زمین میزان این تفاوت‌ها در مقایسه با سایر متغیرها کمتر بوده است. شدت و اوج تفاوت‌های موجود در نگرش بین دو گروه کشاورزان موفق و عادی را می‌توان از ستون میانگین رتبه‌ها مشاهده کرد که در دو متغیر شدت این تفاوت‌ها به حداکثر می‌رسد؛ یعنی با توجه به اهمیت میزان اراضی، و توجه به اهمیت اجاره‌کاری. جدول ۶ ابعاد و سطح این شکاف‌ها و تفاوت‌های نگرش نمونه‌های مورد مطالعه را در بعد محیطی نشان می‌دهد.

جدول ۶. تفاوت بین نگرش کشاورزان موفق و عادی، به عوامل محیطی مؤثر در توسعه کشاورزی

Asymp 2 Railed(sig)	U Man Vitny	میانگین رتبه‌ها		پرسش‌ها	زیرمجموعه‌ها	ابعاد
		کشاورزان عادی	کشاورزان موفق			
۰/۰۰۰	۸/۱۸	۵/۲۸	۱۳/۰۳	توجه به اهمیت میزان اراضی	اصول کشت	بند محیطی
۰/۰۰۰	۱۳/۴۵	۵/۲۴	۱۱/۶۵	توجه به تجمیع و یکپارچه‌سازی اراضی		
۰/۰۰۲	۷/۰۱	۶/۳۴	۹/۰۲	میزان توجه به مسطح بودن اراضی		
۰/۰۰۰	۷/۴۶	۶/۷۲	۱۲/۶۴	توجه به اهمیت کشت آبی		
۰/۰۰۰	۱۴/۹۴	۵/۴۰	۱۳/۵۷	توجه به اهمیت اجاره‌کاری		
۰/۰۰۰	۱۷/۳۴	۵/۶۰	۱۰/۳۲	میزان توجه به داشتن کشت دوم		
۰/۰۰۰	۷/۶۵	۵/۶۴	۱۱/۳۷	میزان توجه به کشت تلفیقی و متنوع		
۰/۰۰۰	۶/۳۴	۵/۲۸	۱۱/۵۹	میزان توجه به کیفیت زمین		
۰/۰۰۱	۷/۶۴	۶/۰۲	۹/۴۲	توجه به رعایت اصول صحیح آماده‌سازی زمین		

منبع: یافته‌های تحقیق

بنابراین، تفاوت‌های موجود در نگرش‌های نمونه‌ها نشان‌دهنده وجود تفاوت در عملکرد، شیوه زندگی و فعالیت این دو گروه از کشاورزان است و خود به خود می‌تواند زمینه‌ساز آن نیز باشد. چون تفاوت‌های فکری به عوامل مؤثر در فرایند توسعه کشاورزی گویای نگاه کشاورزان دو گروه در برابر مسائل مرتبط با کشاورزی در محیط پیرامون آنهاست، در نتیجه باید گفت که نتایج به‌دست آمده از نظر کشاورزان نشان‌دهنده وجود تغییرات مثبت در تمامی موارد به سمت کشاورزان موفق است. به همین دلیل معنی‌دار بودن تمامی موارد آزمون، نشان از تغییراتی با شدت زیاد در الگوی زندگی و فعالیت کشاورزان موفق نسبت به کشاورزان عادی دارد.

همچنین از یک سو برای اثبات صحت نتایج به دست آمده از طریق آزمون من ویتنی، و از سوی دیگر نشان دادن اینکه در سطح کلان و با ادغام متغیرهای هر یک از شاخص‌ها کدام‌یک از شاخص‌ها از دیدگاه نمونه‌های دو گروه دارای تأثیر بیشتری در تفاوت شیوه زندگی و معیشت کشاورزان بوده است، از آزمون T استفاده شد. نتایج به دست آمده در این آزمون معنی‌دار است و این نشان می‌دهد که در همه شاخص‌ها، همان‌طور که پیش‌تر نیز در آزمون من ویتنی بیان شد، دیدگاه‌های هر دو گروه کشاورزان موفق و عادی به مسائل کشاورزی و عوامل تأثیرگذار در آن، تفاوت دارد (جدول ۷).

با این توصیف می‌توان به وجود رابطه‌ای قوی بین نتایج دو آزمون یو من ویتنی و T نیز دست یافت. اما برای شناسایی تأثیرگذارترین شاخص در این تفاوت‌ها می‌توان از مقایسه امتیازات به‌دست آمده برای دو گروه در ردیف میانگین تفاوت‌ها استفاده کرد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشترین تفاوت‌ها در شاخص سرمایه‌گذاری است که مقدار این تفاوت در حدود ۱۸ امتیاز است. بنابراین تأثیرگذارترین شاخص در تفاوت‌های عملکردی، فعالیتی و معیشتی از دیدگاه کشاورزان دو گروه شاخص سرمایه‌گذاری است، و بعد از آن شاخص دانش فنی در رتبه دو جای می‌گیرد. این خود نشان‌دهنده این واقعیت است که کشاورزان موفق در مقایسه با کشاورزان عادی ریسک‌پذیری اقتصادی بالاتری دارند و از سرمایه‌های اطرافیان خود به عنوان خرده‌سرمایه‌ها استفاده مناسب می‌کنند و به تسهیلات اعتباری و بانکی کلان و

خرد در زمینه کشاورزی در جهت موفقیت توجه دارند و از آن استفاده می‌کنند. همچنین کشاورزان موفق همیشه سعی در بهره‌مند شدن از دانش و اطلاعات فنی و تخصصی جدید درباره فعالیت‌های کشاورزی مربوط دارند و از نهادهایی چون کود، سموم، بذر اصلاح شده، آفت‌کش‌ها و نظایر اینها به صورت دقیق و مناسب استفاده می‌کنند. بنابراین در کلیه شاخص‌ها کشاورزان موفق امتیاز بیشتری از کشاورزان عادی دارند و این تنها مربوط به دو شاخص اخیر نیست. البته بایستی اشاره کرد که برخی از این فاکتورها نقش تعیین‌کننده‌تری دارند و سایر فاکتورها براساس آنها شکل می‌گیرند و ساختار می‌یابند. یکی از مهم‌ترین آنها مقدار زمین است و می‌تواند به عنوان مثال منشأ استفاده از ماشین‌آلات، انبار کردن و نظایر اینها در فعالیت‌های کشاورزی شود. بر این اساس، نتایج به دست آمده در این مطالعه نیز نمی‌تواند بی‌تأثیر از مقدار زمین باشد؛ زیرا متوسط مقدار زمین در بین کشاورزان موفق ۲۲ هکتار و کشاورزان عادی ۷ هکتار است. اما یک نکته را هم باید در نظر داشت؛ و آن اینکه در منطقه مورد مطالعه و سایر نواحی ایران و جهان کشاورزانی مشاهده می‌شوند که با مقدار زمین اندک (به عنوان نمونه در قالب کشت گلخانه‌ای) به موفقیت دست می‌یابند.

جدول ۷.۷. آزمون t برای دو گروه مستقل (کشاورزان موفق و عادی)

شاخص	نمونه‌ها	t	درجه آزادی	میانگین تفاوت‌ها	سطح معناداری
اشتغال	کشاورزان موفق	۲۸/۳۱۳	۱۴	۳۳/۳۶۴۳	./۰۰۰
	کشاورزان عادی	۱۷/۸۶۷	۱۴	۱۶/۱۳۳۳	
درآمدزایی	کشاورزان موفق	۱۲/۲۴۵	۱۴	۳۴/۰۰۰۰	./۰۰۰
	کشاورزان عادی	۱۶/۳۴۶	۱۴	۱۶/۲۰۰۰	
فروش و بازاریابی	کشاورزان موفق	۱۱/۱۱۴	۱۴	۳۰/۱۶۶۵	./۰۰۰
	کشاورزان عادی	۸/۱۳۳	۱۴	۱۳/۶۰۰۰	
دانش فنی	کشاورزان موفق	۱۵/۶۰۲	۱۴	۳۵/۳۳۳۳	./۰۰۰
	کشاورزان عادی	۱۱/۲۵۱	۱۴	۱۳/۰۶۶۷	
اصول کشت	کشاورزان موفق	۱۱/۶۱۸	۱۴	۳۴/۵۳۳۳	./۰۰۰
	کشاورزان عادی	۹/۹۵۳	۱۴	۱۴/۴۰۰۰	
مکانیزاسیون	کشاورزان موفق	۲۶/۷۱۶	۱۴	۳۲/۲۶۶۷	./۰۰۰
	کشاورزان عادی	۱۶/۴۶۱	۱۴	۱۷/۲۶۶۷	
علم و آگاهی	کشاورزان موفق	۱۸/۴۲۶	۱۴	۳۴/۲۰۰۰	./۰۰۰
	کشاورزان عادی	۹/۳۷۹	۱۴	۱۷/۰۶۶۷	
سرمایه‌گذاری	کشاورزان موفق	۲۸/۲۸۵	۱۴	۳۸/۵۳۳۳	./۰۰۰
	کشاورزان عادی	۷/۴۰۶	۱۴	۱۵/۲۶۶۷	

منبع: یافته‌های تحقیق

## نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان دادند که براساس تحلیل‌های نظریه‌ای، به کشاورزان موفق و کارآفرین در مناطق روستایی بایستی به عنوان سرمایه‌های انسانی عظیم نگریده شود، زیرا آنها به عنوان نیروهای خلاق و نوآور و متفکر در زمینه فعالیتی خود، می‌توانند تحولی در زندگی و حیات اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی انجام دهند و نفس تازه‌ای را در این لکه‌های

حیات بدمند و روستاها را از حالت ایستایی (فقر، بیکاری، الگوهای معیشتی سنتی و تک‌ساختی و بدون تنوع) و حتی در برخی موارد سقوط (تخلیه شدن روستاها به دلیل مهاجرت) نجات دهند. بنابراین، حمایت از کشاورزان موفق و تشویق سایر کشاورزان در مناطق روستایی می‌تواند گامی برای بازساخت در شیوه‌های فعالیت و زندگی کشاورزان و روستاییان به شمار آید و الگوهای زندگی و فعالیت کشاورزان را براساس ظرفیت‌های مکانی و انسانی و در نظر گرفتن تغییرات زندگی در سایر سکونتگاه‌ها از جمله شهرها تحول بخشند و زمینه‌های شکوفایی دوباره بخش کشاورزی و محیط‌های روستایی را فراهم آورند. در این زمینه استفاده از تجربیات کشاورزان کارآفرین به عنوان افراد موفق در زمینه فعالیت و زندگی خود گامی مؤثر است، زیرا همان‌طور که در تحلیل تجربی مشاهده شد، تمام موارد سنجیده شده از طریق آزمون من ویتنی معناداری را نشان می‌دهد و این خود گویای تغییر جهت مثبت و گام بزرگی به پیش در تمامی جنبه‌های زندگی کشاورزان موفق در مقایسه با سایر کشاورزان است. در نتیجه ترویج و توسعه استفاده از تجربیات افراد موفق و کارآفرین در زمینه ایستادگی، پشتکار، اراده قوی، سخت‌کوشی، شوق و انرژی بالا، پیشقدمی در فعالیت‌ها، مردم‌داری، انتقادپذیری، نوآوری، ابتکار، انعطاف‌پذیری، ریسک حساب شده، منفعت‌شناسی، خوداشتغالی و نظایر اینها می‌تواند کنجکاوای‌ها و خلاقیت‌های نهفته در زمینه کشاورزی مناطق روستایی را دچار شوک و چالش سازد و تغییرات مثبتی را در فرایند الگوهای زندگی و فعالیت روستاییان به‌وجود آورد و این مناطق را از حالت یکنواختی و سکون نجات دهد. به همین جهت ایجاد مزیت‌های جدید اقتصادی، افزایش رفاه انسانی و برقراری سازگاری بین فعالیت و فضای زندگی در نواحی روستایی از اهداف راهبردی و تعیین‌کننده‌ای است که می‌تواند از طریق کارآفرینی روستایی و کشاورزی دست‌یافتنی گردد.

## منابع

- Ahmad Purdaraiani, M., 2000, **Entrepreneurship: Definitions, Thoughts and Patterns**, SHERKAT 57 Publishing Company, Ltd Tehran – Iran, Printed in Iran.
- Babayan N. et al., 2004, **Cooperating to Reconstruct Rurality: An Rstudy of Institutional Support Needs for Agricultural Livelihoods in Sisian and Gores Regions of Syunik Marz, Armenia**.
- Barringer, Bruce R. and Ireland, R. Duane, 2006, **Entrepreneurship: Successfully Launching New Ventures**, Upper Saddle River, N.J.: Pearson Prentice Hall.
- Danda, G. & Reyes, R., 2007, **Understanding Entrepreneurship in a Small Family Business: An Approach According to the Family Enterprise Ecosystem Model**, Master Thesis: JÖNKÖPING International Business School of JÖNKÖPING University.
- Edward J. Chambers and Stuart E. Shaw., 2004, **A Primer on Western Canadian Entrepreneurship**, The Western Centre for Economic Research Gratefully Acknowledges the Support of Western Economic Diversification Canada; NUMBER: 76.
- Eftekhari, A.R. et al., 2006, **Management of Rural Challenges: Rural Community and Changing Challenge**, 2th National Congress in Iran Rural Development: Iran: Tehran University, Pp: 1-20.
- Eftekhari, A.R. et al., 2007, **Study and Analysis of Effective Factor on Agri\_ Entrepreneurship in Rural Regions**, Journal of Rural and Development, In Press, PP: 1-20.

- Eftekhari, A.R., 1995, **Role of Infrastructures in Nutrition Security and Rural Sustainable Development**, 10th Session about Iran Rural Development Problems.
- Eftekhari, A.R., 1997, **Food, Nutrition and National Development**, 4th Congress of Iran Nutrition.
- Eftekhari, A.R., 2002, **Agricultural Development: Concepts, Principle, Methods, Agricultural Land Consolidation Planning**, SAMT Publishing Company, Ltd Tehran – Iran, Printed in Iran.
- Escap, 1996, **Showing The Way: Methodologies for Successful Rural Poverty Alleviation Projects**, Bangkok.
- Habbershon, T.G., Pistrui, J., and McCarran, M., 2001, **Enterprising Families**, Mindset and Methods for Wealth Acceleration in a Dynamic Marketplace.
- Habbershon, T.G., Pistrui, J., 2002, **Enterprising Families Domain**, Family-Influenced Ownership Groups in Pursuit of Transgenerational Wealth.
- Habbershon, T.G., 2006, **The Family as a Distinct Context for Entrepreneurship**, From: Praeger Perspectives on Entrepreneurship, Vol. III Edited by Timothy G. Habbershon & Mark Rice.
- Hall, A., Melin, L. and Nordqvist, M., 2001, **Entrepreneurship as Radical Change in the Family Business: Exploring the Role of Cultural Patterns**, Family Business Re-view, 14(3), 193-208.
- Heritot, K., 2002, **A New Approach to Rural Entrepreneurship a Case Study of Two Rural Electric Cooperatives**, Western Kentucky University, and Noel D. Campbell, North Georgia College & State University.
- Hezarjaribi, J., 2004, **Entrepreneurship**, Publisher: Research Economic Affair Publishing Company Ltd Tehran – Iran, Printed in Iran.
- Johannisson, B., 2002, **Energizing Entrepreneurship: Ideological Tensions in the Medium-Sized Family Business**, in Fletcher (Ed) Understanding the Small Family Business, London: Routledge Studies in Small Business.
- Kayne, J., 2002, **Discussion Starter: Decoding the Entrepreneurship Genome in Rural America**, National Center for Rural Entrepreneurship Advisory Committee Meeting; Washington, DC, December 13.
- Krugman, P., 1991, **Geography and Trade**, MIT Press, Cambridge.
- Maia Lordkipanidze, 2002, **Enhancing Entrepreneurship in Rural Tourism for Sustainable Regional Development: The Case of Söderslätt Region Sweden**, The International Institute for Industrial Environmental Economics (IIIEE); International Miljö Institute.
- Markley, Deborah M., 2002, **Entrepreneurship in Rural America**, Prepared for the NCSL Rural Development Task Force, Center for Rural Entrepreneurship.
- Pasban, F., 2003, **Role of Woman Entrepreneurship in Lest Country Rural Development**, National Congress in Iran Rural Development: Challenges and Visions, Iran: Tehran, pp: 280- 297.
- Poza, E.J., 2007, **Family Business**, Thomson South-Western.
- Shahhoseini, A., 2003, **Entrepreneurship**, Published by: AIEIJ, Ltd Tehran – Iran, Printed in Iran.

Shakuie, H., 2004, **New Trends in Philosophy of Geography: Environmental Philosophy and Geography Schools**, Published by: Gitashenasi Geography & Cartographic Institute, Ltd Tehran – Iran, Printed in Iran.

Verheul, I. et al., 2001, **An Eclectic Theory of Entrepreneurship**, Tinbergen Institute Discussion Paper Institute for Development Strategies; Indiana University.